

[تعریف عام 1](#_Toc92995111)

[مختار استاد: کیفیت جعل اصطلاح نزد صاحب فنون 1](#_Toc92995112)

[اشکال استاد به مرحوم آخوند 2](#_Toc92995113)

[بیان نکته ای توسط مرحوم صدر 2](#_Toc92995114)

[مختار استاد در نکته مطرح شده 2](#_Toc92995115)

[معنای استقلالی و عدم استقلالی شمول 2](#_Toc92995116)

[تقسیم عام 3](#_Toc92995117)

[اشکال مرحوم نائینی به عام بدلی 3](#_Toc92995118)

[جواب استاد: خلاف ارتکاز بودن ادعای مرحوم نائینی 4](#_Toc92995119)

[مَقسم در تقسیم عام 4](#_Toc92995120)

[مختار مرحوم آخوند: مختلف نبودن نفس عام 4](#_Toc92995121)

[اشکال مرحوم آخوند در هامش 4](#_Toc92995122)

[جواب مرحوم آخوند 5](#_Toc92995123)

[مختار مرحوم آغا ضیا: دو نوع بودن عموم 5](#_Toc92995124)

[اشکال استاد 5](#_Toc92995125)

**موضوع**: بررسی کلمات /اقسام عام /عام و خاص

# تعریف عام

## مختار استاد: کیفیت جعل اصطلاح نزد صاحب فنون

بحث در تتمه تعریف عام است. گفته شد: اصولیون مثل بقیه صاحب فنون، الفاظی را که به عنوان اصطلاح استخدام می­کنند به همان معنای لغوی و عرفی استخدام می­کنند. این که لفظ را از معنای عرفی نقل دهند و برای معنای جدید وضع کنند، خلاف ارتکاز است. خلاف چیزی است که ما احساس می­کنیم. ظاهر این است که لفظ را به همان معنای لغوی و عرفی استعمال می­کنند فقط با یک سری خصوصیات استعمال می­کنند. بر یک معنای خاص استعمال یا وضع می­کنند.

از جمله آن الفاظ، عام و خاص است. ظاهر این است که عام همان معنایی است که مردم در موارد دیگری استعمال می­کنند. لذا در معانی اصطلاحی آن خصوصیت را تفهیم می­کنیم. معنای عام که روشن است. آن خصوصیت مهم است.

### اشکال استاد به مرحوم آخوند

مرحوم آخوند گفت: عام یعنی شموله لجمیع ما یصلح ان ینطبق علیه. به نظر ما مرحوم آخوند خرابش کرد. موارد نقض دارد. خصوصیت مد نظر نزد اصولیون که به آن اهتمام دارند و قوام عام می­دانند استیعابی است که با وضع است. در مقابل مطلق که مد نظر دلالتی است که به مقدمات حکمت است. لذا بعضی در تعریف عام همین نکته را اضافه کردند. عام شمول است اما به دلالت لفظیه (مهم این است که با لفظ باشد). در مقابل مطلق که به دلالت غیر وضعیه است. این شرح لفظی از معنای عام درست است.

### بیان نکته ای توسط مرحوم صدر

مرحوم صدر یک نکته­ای را مطرح کرده است: این که می­گویند در عموم استعیاب است، یعنی استیعاب، مدلول مدخول شده است یا این که استیعاب مدلول ادات است؟ مثل استیعاب مدلول کل است وقتی که در کنار عالم که طبیعت است، قرار می­گیرد نتیجه شمول می­دهد. ایشان می­فرماید: عالم نمی­تواند مرآت برای همه باشد و باید دو مرآت و دال داشته باشیم یک دال مدخول است که طبیعت را بیان می­کند و یک دال دیگری ادات عموم است که افراد را به ذهن می­رساند. هر عالم اشاره به افراد عالم است.

#### مختار استاد در نکته مطرح شده

به ذهن بیشتر این مطلب می­اید و بعید نیست که عالم مرآت برای همه افراد نیست. بعید هم نیست که مراد مرحوم آخوند که فرمود: عموم عبارت است شمول لجمیع ما یصلح ان ینطبق علیه، تعدد دال و مدلول باشد، نه این که ما یصلح را مرآت افراد می­کند. ایشان می­گوید: کل یک دال و دال دیگر عالم است. شمول را کل آورده و یصلح را مدخول آورده است. این مطلب را مرحوم آخوند بعدا می­فرماید که تعدد دال و مدلول دارد و مجازیتی در کار نیست.

اگر هم کسی گفت: عالم عام است، مرادش به ضمیمه کل عالم عام است نه اینکه خودش عام شده است. معنایش تغییر نکرده است. عالم در افراد استعمال نشده است.

### معنای استقلالی و عدم استقلالی شمول

گاهی اوقات دال بر عموم معنای اسمی است و به نحو مستقل به ذهن می­آید (نه این که کل به خاطر این که مبتدا قرار گرفته باشد این موارد ظواهر است) و گاهی اوقات دالش معنای حرفی است مثل نکره در سیاق نفی، لا تهن فقیرا (اگر نکره در سیاق نفی از موارد عام باشد) همه به نحو مستقل در ذهن ما نیامده است. لا تهن فقیرا با لا تهن کل فقیر یک فرقی ما هم دارند و آن بحث استقلال و عدم استقلال است. در هر دو شمول را احساس می­کنیم ولی از این جهت متفاوت هستند.

مرحوم صدر جعل اصطلاح کرده و گفته گاهی اوقات عموم به معنای اسمی و گاهی اوقات به معنای حرفی است که اسم معنای حرفی را نسبت استیعابیه بین مفهوم و افرادش گذاشته است. در یکی فقیر و در دیگری افرادش را داریم که لا تهن فقیرا استیعاب بین این دو تا می­رساند.

معنای حروف نسبت ها هستند. نسبت در این جا ذات فقیر و افرادش است. به ما می­گوید بین ذات فقیر و افرادش استیعاب است. حالا مهم نیست این تحلیلات درست باشد یا نه، این مطلب یک واقعیت است که گاهی اوقات شمول به نحو مستقل و گاهی اوقات از لابلای معانی به ذهن می­اید.

پس عموم به معنای استیعاب است و استیعاب هم دو قسم است: استقلالی و عدم استقلالی.

## تقسیم عام

عام سه قسم دارد: در این که عام سه قسم است به غیر مرحوم نائینی که تامل دارد بقیه قبول دارند.

1. استغراقی: یعنی کل فرد فرد موضوع حکم است. اکرم کل عالم، هر عالمی وجوب اکرام دارد. اطاعت های مختلف و عصیان های گوناگونی دارد.
2. مجموعی: اعتبار وحدت همه افراد شده است. همه افراد را یک موضوع لحاظ کردیم و یک اکرام هم دارد. به گونه ای که اگر یک نفر اکرام نشود هیچ امتثالی رخ نداده است. یک اطاعت و یک عصیان.
3. بدلی: حکم به نحو بدلیت و طولیت بر افراد مترتب شده است. دو قسم قبلی به نحو عرضی افراد را لحاظ کرده است ولی در عام بدلی به نحو طولی لحاظ کرده است. اکرام عالم واجب است. این عالم و ان عالم ..... به نحو طولیت.

### اشکال مرحوم نائینی به عام بدلی

مرحوم نائینی فرموده است: این که بدلی عام باشد روشن نیست. در عام بدلی یک فرد واجب است و یکی که عام نیست. یک عالم وجوب اکرام دارد. اکرم ایّ رجل، یک رجل می­خواهد. در این صورت عام معنا ندارد. بله؛ عموم در ناحیه تطبیق شما است. این مقام تطبیق و بدلیت است ولی خودش عام نیست. ذهن عرفی ایشان نپسندیده که عام بدلی هم عام باشد.

#### جواب استاد: خلاف ارتکاز بودن ادعای مرحوم نائینی

به نظر ما اشکال مرحوم نائینی مجال ندارد. بالاخره اکرم ایّ عالم با اکرم عالما متفاوت است. هر دو ترخیص در تطبیق دارند ولی باز هم بین آن دو فرق وجود دارد. پس معلوم می­شود که اکرم ایّ عالم، غیر از بدلیت در مقام انطباق، معنای اضافه­ای دارد و آن معنای اضافه همان هَریّت و هر عالمی است که در مقام لحاظ، متکلم آن را لحاظ کرده است. استیعاب به نحو طولی را لحاظ کرده است. قوام عموم در مقابل اطلاق، به گفتار است و در این جا آن را بیان کرده است.

ما می­گوییم در مقام جعل هر عالمی و ای عالم، مرآت برای همه علما قرار داده است ولی مرآت به این نحوه است که ترخیص در تطبیق دارد. مرآت برای همه است و لفظ را طریق برای همه مصادیق قرار داده است ولی نه به نحو عرضی بلکه به نحو طولی. طولیت از استیعاب خارجش نمی­کند. مثال واضح تر آن این است که تصریح می­کند مثلا می­گوید: اکرم عالما ایّ عالم. یک عالم وجوب اکرام دارد ولی شمول دارد. عام بدلی همان استیعاب است ولی به نحو طولیت.

پس فرمایش مرحوم نائینی خلاف ارتکاز است.

### مَقسم در تقسیم عام

یک بحثی وجود دارد که این تقسیم آیا به لحاظ حکم است که مرحوم آخوند فرموده است: عام یعنی استیعاب و سه قسم ندارد یا این که سه قسم در رتبه موضوع و قبل از جعل حکم است؟

#### مختار مرحوم آخوند: مختلف نبودن نفس عام

مرحوم آخوند فرموده است: این تقسیم به لحاظ حکم است. به لحاظ این که حکم برای هر فردی جعل شده است استغراقی است و به لحاظ این که برای مجموع جعل شده است مجموعی و به لحاظ بدلیت، عام بدلی است. فی حد نفسه العلما عام است حالا حکم آن هر چیزی باشد. حکم است که متفاوت است. در حقیقت احکام مقسم است.

##### اشکال مرحوم آخوند در هامش

در هامش اشکال کرده است: چرا ما برای هر قسمی یک لفظی داریم؟ مثلا ایّ برای استغراقی و در مجموعی درست نیست. کل برای بدلی درست نیست. این که یک سری الفاظ خاص برای هر کدام داریم کاشف از این است که خود عموم ها با هم تفاوت دارند.

###### جواب مرحوم آخوند

جواب داده است: ما این اختصاص را قبول داریم ولی دلالت ندارد که عموم ها متفاوت هستند. احکام متفاوت هستند ولی واضع گفته است اگر خواستی حکم بدلی را بگویید ای به کار ببرید. شبیه شرط الوضع است. یعنی کل برای عموم است ولی شرط کرده است در موارد استغراق به کار برده شود.

#### مختار مرحوم آغا ضیا: دو نوع بودن عموم

مرحوم آغا ضیاء فرموده است: این حرف آخوند در عام مجموعی و اسغراقی درست است. استغراقیت و مجموعیت از حکم ناشی می­شود لذا ما یک لفظی نداریم که مختص به استغراق یا مجموعی باشد. اینها کیفیت حکم هستند. همین که می­گوید اکرم کل عالم، دو نوع است اگر حکم برای مجموع علما وضع شده باشد مجموعی و اگر برای هر فردی جعل شده باشد استغراقی است. یا به خاطر مصحلت است که این گونه تقسیم می­شود. اما از یک جهت عموم دو نوع است. استیعاب یا به نحو عرضیت است حالا مهم نیست که حکم برای هر فردی یا مجموع. یا به نحو طولیت است. مثلا هر رقبه­ای در عرض دیگری لحاظ نشده است بلکه در طول یکدیگر لحاظ شده است. خود عموم فی حد نفسه و اصلا هیچ حکمی هنوز نیست دو نوع است. اصلا به لحاظ هم مربوط نیست بلکه یک واقعیتی است.

مقتضای اشکال مرحوم آخوند در هامش هم همین بود که ما یک سری الفاظ خاص داریم. از این جهت موید فرمایش آغا ضیا است. یعنی در بدلی یک الفاظی داریم که در استغراقی و مجموعی استعمال نمی­شود ولی لفظ مختصی که اختصاص به استغرقی و مجموعی داشته باشیم نداریم. پس کشف می­کنیم که دو نوع عموم داریم. استغراقی و مجموعی به لحاظ کیفیت حکم و طولیت و عرضیت به لحاظ خود حکم است.

پس مرحوم اغا ضیا کلام مرحوم آخوند را فی الجمله قبول کرده است.

##### اشکال استاد

این مطالب خلاف ارتکاز است. استیعاب سه نوع است. این اقسام، انواع استیعاب است. حقیقت عموم مختلف است. مرحوم صدر هم ادعای وضوح می­کند که سه نوع استیعاب داریم. ادامه بحث در جلسه آینده.